



آیا اقتصاد ایران توان تحمل پیامدهای واقعی یکسان سازی را دارد؟
یک نرخ، هزار پرسش

کرج میان پل ها و وعده ها:

آیا این بار گره باز می شود؟

حضور تأثیر گذار یک مهندس جوان:

در مراسم تحلیف عضو جدید شورای اسلامی شهر خورزوق چه گذشت؟

خواستی فوتبال ایران و جهان زیر ثریبین «دنیای هوادار»؟

روز از نو فوتبال از نو

چرا نظام سلامت ایران در برابر بیماری های نادر، بعد از فروکش توجه عمومی، عقب می نشیند؟

برای عماد

بازرسی با وجدان، صندوق باحافظه:

دادگاه کاغذی هوادار

اخلاق برای پایین دست هاست!



محمود کاتبی

اعلان رسمی دادگاه کاغذی
این جلسه رسمی «دادگاه کاغذی هوادار» به نام وجدان آغاز می شود! لازم به ذکر است این دادگاه صرفاً روی کاغذ است و هیچ دستگیری و دستبندی در کار نیست؛ متهمین نهایتاً پایشان به تحریریه روزنامه باز می شود، نه زندان. با این توضیح، زنگ آغاز دادگاه نواخته شد.

این جلسه: وجدان رو باور کنیم یا صندوق ماشین رو؟!
توضیح لازم: جلسه امروز این دادگاه همانند جلسات پیشین، کاملاً فانتزی، تخیلی و کاغذی است که در یک محلی خارج از منظومه شمسی اتفاق افتاده است، لذا با احترام به تلاش تمامی ارکان ادارات خدمات رسان از کارمند تا بازرس و همه عوامل اداری، لطفاً برداشت سوء نشود!

خواهان: کارمند
خوانده: بازرس
منشی: جناب آقای رئیس دادگاه، پرونده کلاسه شماره ۱۴۰۴/م/ظاهرا در حوزه دادگاه تخلفات اداری مطرح شده، اما بلحاظ جنبه عمومی محتوا، به این دادگاه تقدیم شده است، چه دستوری می فرمایید؟
قاضی: چون به نوعی خود ما هم جزئی از طبقه شریف کارمندان هستیم، لذا مانعی نداره بفرمایید با رعایت احترام نسبت به همدیگر در جایگاه حاضر شده و طرح موضوع نمایند.
خواهان: بنده حدود ۲۸ سال سابقه خدمت در دستگاه های خدمات رسانی دارم، روزی که استخدام شدم با اولین حقوقم، به اتفاق حاج بابا و عزیز جون رفیقم خواستگاری! از شدت

خجالت گوشام طوری داغ شده بود که راه حنجره ام رو هم کیپ کرده بود، نه تونستم حرف بزنم نه می شنیدم که چی میگن؟ یهو چشمام رو وا کردم دیدم سر سفره عقد عینهو خروس نابالغ به عاقد گفتم بله! اینجوری شد که مسئولیت زندگی آینده ام رو گره زدم به حقوق سر ماه اداره! از همون روز اول، سوای عشق به همسر و بچه ای که برای اومدن به این دنیا عجله داشت! به عشق خدمت به همون، صبح خروس خوان می دم بیرون و بعد از پایان ساعت کار اداری، سر می خوردم گوشه بازار و به گوشه بساط می کردم تا سر شب که با یه بغل از مایحتاج زندگی برسم دم در خونه و روم به دیوار با زانو در حیاط رو وا کنم!
خوانده: خبه، بسه دیگه! آگه همینجوری ادامه بدی لابد می خوای از سر شب تا دم صبح رو هم برامون تعریف کنی! اصن چه ربطی داره که اینجور مسائل رو مطرح می کنی و وقت شریف دادگاه رو می گیری جناب کارمند!

خواهان: د ربط داره! اتفاقاً خیلی هم ربط داره! انکار جنابعالی فراموش کردی که خودت هم روز اول به کارمند ساده بودی و بعداً (قریونش بشم) نزدیون ترقی رو سه پله در میون طی کردی رو به بالا و حالا اومدی توی جلسه اداری، به عنوان بازرس، گیر سه پیچ دادی به من که چرا (باز دهی شغلی در چارچوب وظایف تعیین شده، با عملکرد فعالیت شما، مغایرت داره!)

خوانده: خب، برادر عزیزم، من بر اساس پست سازمانی ام، موظفم به حوزه کاری شما سر بزنم و نحوه فعالیت کاری شما را ارزیابی کنم و اگر دچار افت عملکرد هستی راهنمایی لازم را گوشزد بکنم!
خواهان: فقط همین؟! بیای گوشزد بکنی؟!
به تاریخ: دیروز / امروز / فردا



۱۰ رویدادی که جهان را در ۲۰۲۵ غافلگیر کرد



اعمال تعرفه های آمریکا بر واردات کلیدی از چین، اروپا و سایر کشورها

اعمال تعرفه های گسترده آمریکا بر واردات از چین و اروپا، تجارت جهانی را وارد مرحله ای جدید از تقابل کرد و با تشدید جنگ تجاری، فشارهای تورمی و بی ثباتی بازارهای مالی را افزایش داد.



صادرات عناصر کمیاب چین

محدودیت چین بر صادرات عناصر کمیاب وابستگی عمیق اقتصاد آمریکا به زنجیره تامین چین را آشکار کرد و شوک جدی به صنایع فناوری و نظامی وارد ساخت.



حمله اسرائیل به قطر

حمله اسرائیل به قطر به عنوان یکی از مراکز کلیدی انرژی جهان، توانمندی های امنیتی و اقتصادی خلیج فارس را دستخوش تحول و نگرانی تازه کرد.



کاهش آشکار اقتصاد آمریکا

آغاز فشارهای اقتصادی در آمریکا شامل کاهش اعتماد مصرف کننده، رشد بدهی عمومی و افت ارزش دلار، چشم انداز رکود و ریسک های جهانی را تقویت کرد.



آشنایی جهانی اوراق قرضه

آشنایی بازار جهانی اوراق قرضه با افزایش بازدهی ها، پیامگر کاهش اعتماد سرمایه گذاران به توان دولت ها در کنترل بدهی و تورم در اقتصاد های بزرگ بود.

بازگشت ترامپ

بازگشت ترامپ به قدرت در سال ۲۰۲۵ باعث تغییر محسوس در نقش جهانی آمریکا شد و با بازتعریف سیاست های تجاری و امنیتی، موجی از نااطمینانی را در بازارها و اتحاد های بین المللی ایجاد کرد.

حمله اسرائیل به ایران

حمله نظامی اسرائیل به ایران تنش های خاورمیانه را به سطحی تازه رساند و با افزایش ریسک های ژئوپلیتیکی، به رشد قیمت انرژی و نگرانی در بازارهای جهانی دامن زد.

تغییر آشکار در روند جنگ روسیه و اوکراین

تشدید جنگ روسیه و اوکراین و طرح استفاده از تسلیحات پیشرفته تر، منجر به تغییر داد و تهدید تحریم واردکنندگان نفت روسیه، نااطمینانی در بازار انرژی را افزایش داد.

اختلالات در حساس ترین مسیر دریایی

اختلال در دریای سرخ به دلیل حملات به کشتی ها، یکی از حیاتی ترین مسیرهای تجارت جهانی را مختل و هزینه های حمل و نقل و فشارهای تورمی را افزایش داد.

سقوط ارزهای دیجیتال

سقوط بازار ارزهای دیجیتال در سال ۲۰۲۵ نشان دهنده ترکیدن حباب های سفته بازیانه

سقوط بازار ارزهای دیجیتال در سال ۲۰۲۵ نشان دهنده ترکیدن حباب های سفته بازیانه

سقوط بازار ارزهای دیجیتال در سال ۲۰۲۵ نشان دهنده ترکیدن حباب های سفته بازیانه

سقوط بازار ارزهای دیجیتال در سال ۲۰۲۵ نشان دهنده ترکیدن حباب های سفته بازیانه

سقوط بازار ارزهای دیجیتال در سال ۲۰۲۵ نشان دهنده ترکیدن حباب های سفته بازیانه

سقوط بازار ارزهای دیجیتال در سال ۲۰۲۵ نشان دهنده ترکیدن حباب های سفته بازیانه

سقوط بازار ارزهای دیجیتال در سال ۲۰۲۵ نشان دهنده ترکیدن حباب های سفته بازیانه

سقوط بازار ارزهای دیجیتال در سال ۲۰۲۵ نشان دهنده ترکیدن حباب های سفته بازیانه

«نیکلاس مادورو گِر» عضو پارلمان ونزوئلا و پسر رئیس‌جمهوری روده شده این کشور، «همبستگی بین‌المللی» برای بازگشت «مادورو» را خواستار شد و اعلام کرد: ونزوئلا قربانی «قتل عام» توسط ایالات متحده شده است.

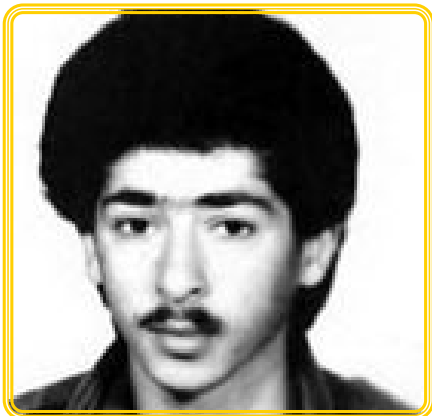
نیکلاس مادورو گِرا در جریان سخنرانی عمومی در کاراکاس و همچنین سخنرانی در مجلس ملی این کشور تأکید کرد حمله و

چهارشنبه ۱۷ دی ۱۴۰۴ شمارگان ۱۹۷۵

یاد و خاطره شهدا، به ویژه

«علی رضا اصلانی لوحه سرا»

که ۲۵ تیر ۶۵ به مقام شامخ شهادت نائل گشت، گرامی باد



سرمقاله

روایت یک صنعت گرفتار در نااطمینانی؛

ساخت‌وساز در انتظار اعتماد

مینم اکرمیه

صنعت ساختمان در ایران، بیش از آنکه یک بخش اقتصادی باشد، دماسنجی است که تب ولز سیاست، جنگ، تحریم و بی‌تصمیمی را بی‌واسطه نشان می‌دهد. هر بار که این دماسنج بالا می‌رود، زنجیره‌ای از اشتغال، سرمایه و امید به حرکت درمی‌آید و هر بار که پایین می‌افتد، رکود به خانه‌ها نیمه‌کاره، شهرهای ناتمام و زندگی‌های معلق سرایت می‌کند. سخنان اخیر وزیر راه و شهرسازی درباره نقش بخش خصوصی و عبور از سیاست‌گذاری کاغذی، درست در همین نقطه حساس معنا پیدا می‌کند؛ جایی که صنعت ساختمان دیگر با شعار احیا نمی‌شود و با بخشنامه جان نمی‌گیرد. اشاره صریح به تأثیر شرایط کلان اقتصادی و پیامدهای جنگ دوازده‌روزه، یک اعتراف مهم است: بحران مسکن و رکود ساخت‌وساز، محصول خطای یک وزارتخانه یا یک دولت نیست و برآیند سال‌ها ناترازی، نااطمینانی و تعویق تصمیم‌های سخت است. با این حال، پرسش اصلی همچنان پابرجاست. آیا دولت می‌تواند از نقش تاریخی خود به‌عنوان بازیگر اصلی ساخت‌وساز فاصله بگیرد و به تسهیل‌گری واقعی رضایت دهد؟ و آیا بخش خصوصی، که سال‌ها میان وعده‌های متناقض و ریسک‌های فزاینده سرگردان بوده، هنوز توان و انگیزه ورود عملی به میدان را دارد؟ پاسخ این پرسش، مسیر سرمایه، اشتغال و اعتماد عمومی را در سال‌های پیش‌رو تعیین می‌کند. آنچه وزیر راه و شهرسازی از آن با عنوان «تمرکز بر اقدام عملی» یاد می‌کند، اگر قرار است صرفاً یک تغییر لحن نباشد، ناگزیر باید به یک جابه‌جایی واقعی در نسبت دولت و بازار مسکن منجر شود. صنعت ساختمان در ایران سال‌هاست گرفتار پارادوکسی مزمن است: دولت می‌خواهد هم سیاست‌گذار باشد، هم سازنده، هم ناظر و هم پاسخ‌گوی نارضایتی اجتماعی. نتیجه این انباشت نقش‌ها، نه کارآمدی بوده و نه اعتماد. پروژه‌های نیمه‌تمام، قفل شدن منابع بانکی، فرسایش توان انبوه‌سازان و عقب‌نشینی سرمایه‌های خرد و کلان، تصویر آشنای این بزیست است. در چنین بستری، تأکید بر تداوم پروژه‌های حمایتی و اتصال آن‌ها به تسهیلات بانکی، بیش از آنکه یک برنامه توسعه‌ای باشد، تلاشی برای مدیریت تعهدات انباشته گذشته است. ادامه ۸۲۰ هزار واحد آغازشده، یک ضرورت حقوقی و اخلاقی است، اما این مسیر به‌تنهایی نمی‌تواند موتور صنعت ساختمانی را دوباره روشن کند. تجربه نشان داده هر جا مسکن به پروژه‌ای صرفاً دولتی تبدیل شده، کیفیت قربانی سرعت و پایداری قربانی آمارسازی شده است. اینجاست که نقش بخش خصوصی به‌عنوان شریک واقعی توسعه، اهمیت پیدا می‌کند. مسئله اصلی بخش خصوصی، نه نبود زمین است و نه کمبود تقاضا. آنچه سرمایه را فراری می‌دهد، نااطمینانی مزمن است. تغییر مداوم مقررات، قیمت‌گذاری دستوری، سیاست‌های متناقض مالیاتی و بانکی، و ریسک‌های سیاسی و امنیتی، بازگشت سرمایه را به معادل‌های غیرقابل محاسبه تبدیل کرده‌اند. وقتی وزیر از استفاده از زمین دولتی به‌عنوان اهرم توسعه سخن می‌گوید، پرسش کلیدی این است که آیا این اهرم در قالب قراردادهای شفاف، حقوق مالکیت مشخص و افق زمانی قابل اتکا تعریف می‌شود یا همچنان در منطق واگذاری‌های مقطعی و سلیقه‌ای باقی می‌ماند.

پسر مادورو: ونزوئلا قربانی قتل عام آمریکا شد

بمباران ونزوئلا به دستور «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهوری آمریکا به منزله «قتل عام» بود و دهها نفر جان باختند.

این نماینده مجلس از حزب حاکم سوسیالیست متحد (PSUV) همچنین تصریح کرد: هیچ‌کس نمی‌تواند نیکلاس مادورو را وادار به تعظیم کند، او مردی قوی و بی‌گناه است. او رئیس‌جمهوری است که اسیر جنگی است. گِرا تجاوز نظامی آمریکا را «نقض

حاکمیت ونزوئلا» عنوان و تأکید کرد: این اتفاق می‌تواند در هر کشور دیگری نیز رخ دهد. وی گفت: اگر رُودن رئیس یک دولت را عادی‌انگاری کنیم، هیچ کشوری در امان نخواهد بود. امروز ونزوئلا، فردا می‌تواند هر کشوری باشد که از تسلیم شدن امتناع ورزد. این یک مشکل منطقه‌ای نیست؛ بلکه تهدیدی مستقیم برای ثبات جهانی، بشريت و برابری حاکمیت ملت‌ها است.

دنیایک سه‌وادار

آیا اقتصاد ایران توان تحمل پیامدهای واقعی یکسان‌سازی را دارد؟

یک نرخ، هزار پرسش

خطای مکرر سیاست‌گذار در ایران، دقیقاً همین‌جاست:

تبدیل یک «هدف بلندمدت» به یک «اقدام فوری».

تک‌نرخی شدن ارز، ذاتاً ابزار است نه هدف. ابزاری برای شفاف‌سازی تجارت، کاهش رانت، انضباط بودجه‌ای و بازگشت اعتماد. اما در اقتصاد ایران، این ابزار بارها جایگزین خود اصلاحات شده است. هر بار که فشار کسری بودجه بالا می‌رود، یا کنترل بازار ارز از دست می‌رود، نسخهٔ یکسان‌سازی به‌عنوان راحل نهایی مطرح می‌شود؛ بی‌آنکه هم‌زمان اصلاح نظام بانکی، مهار ناترازی بودجه، شفافیت تجاری یا انسداد مسیرهای خروج سرمایه به‌طور واقعی پیش برود. نتیجه هم معمولاً یکی بوده: شوک قیمتی، تورم انتظاری، عقب‌نشینی سیاست‌گذار و بازگشت به چندنرخ‌پودن، اما این‌بار پیچیدتر و غیرشفاف‌تر. تجربهٔ ۱۳۹۷ فقط به‌خاطر عدد ۴۲۰۰ شکست نخورد؛ به‌خاطر توهم «کنترل با دستور» شکست خورد. تصور اینکه می‌توان با اعلام یک نرخ، تقاضا را مهار کرد، واردات را هفدهم ساخت و بازار غیررسمی را حذف کرد، بدون آنکه سازوکار نظارت، تخصیص و پیگیری تغییر کند، از ابتدا ساده‌انگارانه بود. حذف شکاف قیمتی، وقتی نظام ثبت سفارش، تخصیص ارز، گمرک، بانک‌ها و نظارت‌پسینی ناکارآمدند، نعتن‌ها رانت را از بین نمی‌برد، که حتی آن را به سطوح پنهان‌تر منتقل می‌کند؛ از کارتهای بازرگانی اجاره‌ای تا زنجیره‌های پیچیدهٔ واردات صوری.

هم‌گرایی یا مسابقهٔ افزایشی؟

سیاست‌گذار امروز می‌گوید شرایط با ۱۳۹۷ فرق کرده است. اما این تفاوت‌ها دقیقاً کجاست؟ آیا تحریم‌ها کمتر شده‌اند؟ دسترسی به منابع ارزی پایدارتر شده؟ نظام بانکی اصلاح شده؟ یا صرفاً ابزارهای کنترلی متنوع‌تر شده‌اند؟ واقعیت این است که اقتصاد ایران امروز، از نظر تاب‌آوری ارزی، در وضعیت شکنندگی قرار دارد. تقاضای ارز تجاری نیست و اتفاقاً بشدت انتظاری و حفاظتی است. خوار، بنگاه و حتی دولت،

بازگشت عبدالناصر همتی به ساختمان شیشه‌ای بانک مرکزی، صرفاً بازگشت یک‌مدیر نیست؛ بازگشت یک «ایده» است. ایده‌ای که سال‌هاست در اقتصاد ایران میان آرزو و اضطراب، میان اصلاح و اجبار، معلق مانده؛ تک‌نرخ‌ی شدن ارز، هر بار که فشارها تشدید می‌شود، این ایده دوباره از کشو بیرون می‌آید؛ با ادبیاتی تازه، وعده‌هایی محتاطانه‌تر و هشدارهایی درباره «هزینه‌های تداوم وضع موجود»، اما حافظهٔ اقتصادی جامعه کوتاه‌نیست. تجربهٔ ۴۲۰۰ تومانی، هنوز یک خاطرهٔ دور و ی‌ایک خطای تکنیکی نیست؛ یک زخم باز است که هر بحث تازه‌ای درباره یکسان‌سازی را با سوءظن، ترس و تردید همراه می‌کند.

محمد رضا اسلامی

چشم‌انداز مثبت صنعت هوش مصنوعی و نشانه‌های بهبود اقتصادی، سهام چین را به بالاترین سطح چهارساله رساند.

به گزارش «دنیای هودار» به نقل از تارنمای شبکه بلومبرگ، شاخص «سی‌اس‌آی ۳۰۰» با ۱.۲ درصد افزایش به بالاترین سطح خود در چهار سال گذشته رسید و شاخص ترکیبی شانگهای با همین میزان رشد، بالاترین سطح خود از مردادماه سال ۱۳۹۴ را تجربه کرد. سهام شرکت‌های معدنی و فناوری بهترین عملکرد را داشتند.

رونق تولید، ارزیابی مثبت شی‌جین‌پینگ رئیس‌جمهوری چین از اقتصاد و نیز ادامه روند صعودی هوش مصنوعی باعث شد چینی‌ها سال



آگهی فقدان سند مالکیت

آقای مهدی سلیمی ماوی به عنوان مالک ضمن تسلیم دوبرگ استثنایده تصدیق شده اعلام نموده که سند مالکیت شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی وضعیت خاص طلق با کاربری زراعی باغ به پلاک ثبتی ۶۹۲ فرعی از ۹۹ اصلی ، مفروز و مجزا شده از فرعی از اصلی مذکور ، در طبقه و واقع در بخش.. ناحیه.. حوزه ثبت ملک نظر آباد استان البرز به مساحت ۳۹۶۶/۷۴ متر مربع مالکیت مهدی سلیمی ماوی فرزند آیت اله شماره شناسنامه ۳۴۵ تاریخ تولد ۱۳۵۷/۵/۱۲ صادره از میانه دارای شماره ملی ۱۵۳۲۳۱۶۳۱۹۳۱ با جز سهم ۶ از کل سهم ۶ بعنوان مالک شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۰۸۶۳۰۵۵۰۰۳۳۱۰۰۴۰۰۶۰۰۰ تاریخ ۱۴۰۰/۵/۴ موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۱۹۲۶۵ سری و سال ۹۹ با شماره دفتر الکترونیکی ۰۴۹۴۴۰۵۵۰۰۳۳۱۰۰۲۰۱۴۰۰ ثبت گردیده است که بعلت سهل انگاری مفقود گردیده درخواست صدور سند مالکیت المثنی نموده است لذا مراتب به استناد تبصره یک اصلاحی به ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی تا چنانچه اشخاص حقیقی یا حقوقی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود و یا انجام معامله نسبت به ملک مذکور باشد از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ده روز اعتراض کتبی خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت به این اداره تسلیم نمایند بدیهی است چنانچه طرف مدت مقرر اعتراضی واصل نشود و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نگردد سند مالکیت المثنی برابر مقررات به متقاضی تسلیم خواهد شد. ۲۰۸۹۴۸/۲۰۸۹۴۸

اداره ثبت اسناد و املاک نظر آباد

این سیاستمدار ونزوئلابی تأکید کرد: مردم جهان، به شما می‌گویم: همبستگی بین‌المللی با نیکلاس، با سیلیا (همسر مادورو) با ونزوئلا یک ژست سیاسی اختیاری نیست، بلکه یک وظیفه اخلاقی و قانونی است. سکوت در برابر این تخلفات، کسانی را که سکوت می‌کنند به خطر می‌اندازد و نظام بین‌المللی را که همه ادعای دفاع از آن را دارند، تضعیف می‌کند.

رویداد

حرف اول



علامت و رهاکردن بیماری. تک‌نرخی شدن، روی زمینی که مدام زیر پایش نقدینگی می‌جوشد، نمی‌ایستد. تک‌نرخی شدن ارز، روی کاغذ یک سیاست اصلاحی است؛ در واقعیت ایران اما، یک آزمون پریسک برای ظرفیت حکمرانی اقتصادی. مسئله این نیست که این سیاست درست است یا غلط؛ مسئله این است که چه زمانی، با چه ابزارهایی و بر شانهٔ کدام اصلاحات قرار است اجرا شود. تجربه‌های گذشته نشان داده‌اند که شتاب در یکسان‌سازی، بدون مهار ناترازی بانک‌ها، بدون شفافیت تجاری، بدون انضباط بودجه‌ای و بدون اعتماد عمومی، بیش از آنکه رانت را حذف کند، آن را جابه‌جا می‌کند و بیش از آنکه ثبات بسازد، شوک می‌آفریند.

اقتصاد ایران امروز، بیش از هر چیز از «کمبود ظرفیت اجرا» رنج می‌برد، نه از فقدان ایده. بازگشت یک سیاست قدیمی، اگر بدون پاسخ روشن به پرسش‌های تازه باشد، نشانهٔ جسارت اصلاح نیست؛ علامت تکرار چرخه‌ای است که بارها شکست خورده. تک‌نرخی شدن ارز، زمانی معنا پیدا می‌کند که نتیجهٔ اصلاحات باشد، نه جایگزین آن‌ها. در غیر این صورت، یک بار دیگر هزینهٔ آزمون، به معیشت مردم منتقل می‌شود و دستاوردش، فقط چند ماه آرامش ظاهری خواهد بود.

القصد: اقتصاد ایران دیگر توان آزمون وخطای پرهزینه ندارد. هر تصمیم بزرگ ارزی، با اعتماد می‌سازد یا آنچه از اعتماد باقی مانده را هم می‌سوزاند. این بار، مسئله فقط نرخ ارز نیست؛ مسئله، اعتبار سیاست‌گذار است.

بازگشت عبدالناصر همتی به ساختمان شیشه‌ای بانک مرکزی، صرفاً بازگشت یک‌مدیر نیست؛ بازگشت یک «ایده» است. ایده‌ای که سال‌هاست در اقتصاد ایران میان آرزو و اضطراب، میان اصلاح و اجبار، معلق مانده؛ تک‌نرخ‌ی شدن ارز، هر بار که فشارها تشدید می‌شود، این ایده دوباره از کشو بیرون می‌آید؛ با ادبیاتی تازه، وعده‌هایی محتاطانه‌تر و هشدارهایی درباره «هزینه‌های تداوم وضع موجود»، اما حافظهٔ اقتصادی جامعه کوتاه‌نیست. تجربهٔ ۴۲۰۰ تومانی، هنوز یک خاطرهٔ دور و ی‌ایک خطای تکنیکی نیست؛ یک زخم باز است که هر بحث تازه‌ای درباره یکسان‌سازی را با سوءظن، ترس و تردید همراه می‌کند.

بین‌الملل



می‌تواند جو بازار را پویا نگاه دارد. از جمله آن‌ها می‌توان به «چانگ‌شین» (ChangXin) بزرگ‌ترین تولیدکننده حافظه DRAM و «یانگتزه» (YMTC) غول حافظه فلش چین اشاره کرد که می‌توانند ۲۰۰ و ۳۰۰ میلیارد یوان نقدی نظامی‌گذاری شوند. استقبال از هوش مصنوعی به دلیلی از جمله مقاله جدید فنی شرکت «دیپ‌سیک» افزایش یافته است.

سهام گرفتند نیز در رکورد تاریخی خود باقی‌ماند.

بازار چین این رشد را همزمان با رکوردشکنی دوباره شاخص‌ها و تنش‌ها در آمریکای لاتین تجربه کرد. سهام فناوری به‌ویژه موارد مرتبط با هوش مصنوعی کانون توجه فعالان بازار بود.

با این‌حال این روند صعودی نشانه‌هایی از رشد بیش از اندازه دارد. شاخص قدرت نسبی ۱۴ روزه شانگهای به بالای ۷۴ واحد رسید که این برای نخستین بار از شهریور ماه است که در محدوده اشباع قرار می‌گیرد. شاخص «سی‌اس‌آی ۳۰۰» نیز به این محدوده نزدیک می‌شود که پیش از این در همراه از آن عبور کرده بود. بر اساس این گزارش، نگرانی‌ها را خوش‌بینی سرمایه‌گذاران نسبت به ادامه روند صعودی رفع می‌کند. یک فیک پرسش قوی از شرکت‌های مرتبط با هوش مصنوعی پس از دو عرضه اولیه در ماه گذشته،

تخریب بیمارستان تاریخی در قنيطرة سوریه توسط نظامیان صهیونیست

هیچ تهدیدی علیه تل‌آویو ایجاد نمی‌کند، با این وجود ارتش رژیم صهیونیستی به‌طور مکرر وارد خاک سوریه می‌شود و همزمان حملات هوایی متعددی را نیز انجام داده که به کشته شدن غیرنظامیان و تخریب مراکز، تجهیزات و انبارهای نظامی ارتش سوریه انجامیده است. پس از سقوط نظام بشار اسد در هشتم دسامبر ۲۰۲۴ (۱۸ آذر ۱۴۰۳)، رژیم صهیونیستی از فروپاشی توافق جداسازی نیروها میان سوریه و اسرائیل که در سال ۱۹۷۴ امضا شده بود، خبر داد.

در مقابل، دمشق بارها توقف تجاوزات و نقض حاکمیت ملی خود از سوی این رژیم را خواستار شده است.

سازوکارهای بازاریارنده حقوقی و دیپلماتیک هستند. شبکه‌المیادین نیز به نقل از منابع محلی در قنيطرة گزارش داد که یک گشتی رژیم اشغالگر به شهر الرقید در حومه جنوبی قنيطرة یورش آورد.

طی هفته‌ها و ماه‌های اخیر، یورش نظامی رژیم صهیونیستی در جنوب سوریه، به‌ویژه در مناطق قنيطرة، به امری تقریباً روزانه تبدیل شده و این اقدامات اغلب با بازداشت شهروندان و ایجاد پست‌های بازرسی همراه بوده است؛ مسئله‌ای که موجب افزایش نارضایتی و خشم عمومی در میان ساکنان محلی شده است.

این در حالی است که دولت کنونی سوریه تأکید دارد

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی –کرج (نوبت اول)

برابر رای شماره ۵۸۶۰۰۵۵۷۰۰۳۳۱۰۰۴۶۰۱۴ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرج - ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای افشین پنهانی فرزند عمران بشماره شناسنامه ۶۰۱۰۰۰۸۶۵۴ در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرج - ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای افشین پنهانی فرزند عمران بشماره شناسنامه ۶۰۱۰۰۰۸۶۵۴ صادره از در یک قطعه زمین با بنای احدائی به مساحت ۱۱۶۸۰/۰۰ مترمربع از پلاک ۱۵۹۳ فرعی از ۹ اصلی واقع در کرج ماهداشت جاده ماهدشت به سمت اشتهادر کوچه استادان خریداری از مالک رسمی آقای علی خانجانی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۲۰۹۶۸۹/۲۰۹۶۸۹

نوبت دوم: ۱۴ بهمن ۱۴۰۴

اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو کرج



چهارشنبه ۱۷ دی ۱۴۰۴ شمارگان ۱۹۷۵

برای عماد



ایمان روزبیهانی

قصهٔ عماد، روایت یک بیماری نادر نیست؛ شرح فاصله‌ای است که میان دیده‌شدن و مسئولیت‌پذیری در نظام حکمرانی سلامت ایران دهان باز کرده است. عکسی که زمانی جهان را تکان داد، امروز به فایلی در آرشیو بدل شده و کودکی که نماد نجات بود، حالا در سکوت یک تخت بیمارستانی با بیماری‌ای می‌جنگد که نه بازار دارد، نه لابی، نه اولویت. مسئله این‌جا کمبود صرف بودجه یا فشار تحریم‌ها نیست؛ مسئله، سازوکاری است که همدلی لحظه‌ای را جایگزین تعهد پایدار می‌کند.

عماد محصول حادثه‌ای ناگهانی نیست؛ برآیند زنجیره‌ای معیوب است: وعده‌های رسانه‌ای بی‌ثبت، اعلام تکفل دولتی بدون سازوکار، مقبض‌شینی خیرین پس از پیام‌های رسمی، و نهادهی که پس از فروکش‌کردن موج، پیگیری را فراموش می‌کند. وقتی سیاست سلامت به موج رسانه‌ای گره می‌خورد، بیماران نادر از اولویت می‌افتند؛ نه بدلیل نادانی پزشکی، که به‌سبب فقدان اراده اجرایی. پرسش امروز ساده اما کوبنده است: در کشوری که یک کودک می‌تواند چند روز تتر اول جهان شود، چرا نمی‌تواند چند سال در فهرست اولویت‌های درمانی بماند؟ اگر پاسخ روشنی وجود ندارد، مشکل نه عماد است و نه بیماری‌اش؛ مشکل، ساختاری است که دین را بلد است اما مسئولیت را نه. این همان گرهی است که سیاست باید امروز، بی‌پناهانه، بازش کند، واقعاً.

مسئلهٔ عماد، پیش از آنکه پزشکی باشد، نهادی است. این‌جا با یک بیماری نادر طرفیم که درمانش، اگرچه پیچیده و پرهزینه‌ست، اما ناشناخته یا ناممکن نیست. گره کار از جایی سفت می‌شود که وعدهٔ درمان، به «خبر» تبدیل می‌شود و خبر، جای «تعهد» را می‌گیرد. اعلام‌های رسمی که در اوج توجه عمومی مطرح می‌شوند، اگر در سند، ردیف بودجه، و سازوکار اجرایی نشینند، عملاً اثر معکوس دارند: هم اعتماد عمومی را مصرف می‌کنند و هم شبکه‌های حمایتی موجود را از مدار خارج. در تجربهٔ عماد، همین اتفاق افتاد. وقتی اعلام شد که همهٔ هزینه‌ها تا آخر عمر با دولت است، یک پیام اجتماعی روشن مخابره شد: نیازی به مشارکت مردمی نیست. خیرین کنار رفتند؛ کمپین‌ها خوابیدند و مسئولیت، روی کاغذ، به دولت منتقل شد. اما دولتی بی‌سازوکار، مسئولیتی را که پذیرفته

معاون برنامه‌ریزی و توسعه سرمایه انسانی شهرداری کرج، برگزاری نشست تخصصی کارگروه حقوق و دستمزد با حضور نمایندگان سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور و همچنین شهرداری‌های مشهد، اصفهان، شیراز تبریز، الیگودرز و کرج خبر داد. منوچهر غفاری، با اشاره به اهداف این نشست اظهار کرد: این جلسه با محوریت تهیه دستورالعمل حقوق و دستمزد و

رفاهیات در قالب نظام جامع منابع انسانی شهرداری‌ها برگزار شد و مفاد این دستورالعمل به‌صورت بند به بند و کارشناسی مورد بحث، تدقیق و تدوین قرار گرفت. وی افزود: در این نشست، ضمن بهره‌گیری از تجربیات و دیدگاه‌های تخصصی نمایندگان شهرداری‌ها و دستگاه‌های ذی‌ربط، تلاش شد چارچوبی منسجم، منطبق با قوانین و



نمی‌گیرد، شکاف ایجاد می‌شود. این شکاف، نه با یک خبر تازه پر می‌شود و نه با همدلی دوباره؛ با سازوکار پر می‌شود. سازوکاری که مسئولیت را شخصی نمی‌کند و خانواده را تنها نمی‌گذارد. در سطح رسانه‌ای نیز الگوی واکنشی غالب است. رسانه‌ها در لحظهٔ بحران فعال می‌شوند، تصویر می‌سازند، فشار می‌آورند و سپس به خبر بعدی می‌روند. آنچه غایب است، پیگیری ساختاری است: گزارش‌های دوره‌ای، مطالبهٔ اسناد، و سؤال از ردیف‌ها. بدون این پیگیری، کودک دیده‌شده هم رها می‌شود؛ چه پرسد به ده‌ها کودک ندیده.

استثنا یا قاعده؟

آیا عماد استثناست؟ شواهد می‌گوید نه. او فقط دیده شده؛ بسیاری دیگر دیده نشده‌اند. همین دیده‌شدن، اگر به سیاست پایدار نرسد، به ضد خود بدل می‌شود: هم توقع می‌سازد و هم ناامیدی. این‌جاست که پرسش پاسخ‌گویی اهمیت پیدا می‌کند. اگر امروز درمان به بی‌نت‌بخور، آیا آن را «اتفاق تلخ» می‌نامیم یا نتیجهٔ مستقیم سیاست‌گذاری ناقص؟ نام‌گذاری، تعیین‌کنندهٔ مسئولیت است. بدنهٔ مسئله روشن است: وابستگی سیاست سلامت به موج رسانه‌ای، فقدان نهاد پیگیری، نبود صندوق مستقل برای بیماری‌های نادر و غلبهٔ منطق بازار بر حق حیات. تا این چهار گره باز نشود، هر عماد تازه‌ای، با هر عکس تازه‌ای، همین مسیر را طی می‌کند.

حضور تأثیرگذار یک مهندس جوان؛ در مراسم تحلیف عضو جدید شورای اسلامی شهر خورزوق چه گذشت؟



خورزوق آغاز نمود.

در این مراسم تحلیف، مهندس هاشم‌زاده، معاون فرماندار شهرستان برخوار، ضمن تبریک به مهندس اصلی، جایگاه شوراها را به‌عنوان نماد مشارکت مردمی در مدیریت شهری بسیار مهم و اثرگذار دانست و بر ضرورت تعامل، هم‌افزایی و همکاری مستمر میان شورای اسلامی شهر، شهرداری و سایر دستگاه‌های اجرایی شهرستان تأکید کرد. همچنین

شریان تازه و کاهش محضلات ترافیکی البرز افتتاح شد؛ شاهکار مهندسی بومی



به بهره‌برداری برسد و گام بلندی در روان‌سازی ترافیک و توسعه زیرساخت‌های استان برداشته شود. استاندار البرز بیان داشت: اتوبان شهید سلیمانی در آینده‌ای نزدیک به‌طور کامل با حضور رئیس جمهور افتتاح خواهد شد.

تدقیق و تدوین دستورالعمل حقوق و دستمزد شهرداری‌ها بررسی شد

نظام حقوق، دستمزد و رفاهیات کارکنان شهرداری‌ها ایفا کند. غفاری در پایان یادآور شد: با توجه به ظرفیت‌ها و سوابق تخصصی موجود، شهرداری کرج به‌عنوان دبیرخانه نظام جامع منابع انسانی شهرداری‌ها تعیین شده و پیگیری و هماهنگی مراحل بعدی این فرآیند از سوی این دبیرخانه انجام خواهد شد.

جمعه

مکت

کرج میان‌پل هاو وعده‌ها؛

آیا این بار گره باز می‌شود؟

نگارسلحشور

آزادراه شمالی کرج حالا دیگر صرفاً یک پروژه عمرانی نیست؛ تبدیل شده به نمادی از صبر فرسایشی شهری که سال‌هاست میان عبور و ماندن، نفس‌نفس می‌زند. عدد ۹۲ درصد پیشرفت» اگرچه روی کاغذ نوید پایان می‌دهد، اما در حافظهٔ جمعی شهروندان کرج، بیش از هر چیز یادآور مسیر طولانی وعده‌ها، افتتاح‌های مرحله‌ای و انتظاری است که هر روز در ترافیک قفل‌شده‌ی آزادراه کرج[]قزوین بازتولید می‌شود. این آزادراه، با همه عظمت مهندسی‌اش، درست بر گره‌ای دست گذاشته که سال‌هاست زندگی روزمره ساکنان البرز را مختل کرده: گره اتصال تهران، کرج و مسیرهای شمالی کشور. افتتاح پل‌هایی با نام‌های پرمعنا، ثبت رکوردهای فنی، انفجارهای میلیونی برای شکافتن کوه و به‌کارگیری هزاران نیروی انسانی، همگی تصویر پروژه‌ای را می‌سازند که می‌خواهد «بزرگ» دیده شود؛ بزرگ در مقیاس سازه، بزرگ در ادعا و بزرگ در تأثیر، اما پرسش اصلی نه درباره ارتفاع پل بیلقلان است و نه درباره تعداد لاین‌ها یا مترمکعب خاک‌برداری‌شده. مسئله اینجاست که آیا این آزادراه، فراتر از یک دستاورد مهندسی، می‌تواند به تغییری واقعی در تجربه زیسته شهروندان بدل شود؟ کرج شهری است که سال‌ها بار ترافیک عبوری را بدون آنکه سهمی از منافعش ببرد، به دوش کشیده است. آزادراه شمالی وعده می‌دهد این معادله ناعادلانه را اصلاح کند؛ وعده کاهش ۴۰ درصدی ترافیک، وعده بازگشت زمان از دست‌رفته و وعده نفس‌کشیدن شهری که زیر بار عبور، فرسوده شده است، اما تحقق این وعده‌ها، تازه از لحظه بهره‌برداری واقعی آغاز می‌شود، نه از عده‌های خوش‌ظاهر‌گزارش‌ها.

آزادراه شمالی کرج در نگاه اول، پاسخی فنی به یک مسئله فنی به نظر می‌رسد: ترافیک. اما واقعیت این است که مسئله ترافیک در البرز، مدت‌هاست از سطح مهندسی عبور کرده و به یک بحران حکمرانی شهری بدل شده است. شهری که هر روز میزبان میلیون‌ها خودروی عبوری است، بدون آنکه زیرساخت‌هایش متناسب با این بار طراحی شده باشد، ناگزیر به انباشت نارضایتی، فرسودگی و اتلاف سرمایه انسانی می‌رسد. در چنین زمینه‌ای، آزادراه شمالی نه فقط یک مسیر جدید، که تلاشی برای بازتعریف نقش کرج در شبکه حمل‌ونقل کشور است. کرج سال‌هاست هزینه تصمیم‌هایی را می‌پردازد که خارج از مرزهایش گرفته شده‌اند. آزادراه تهران[]قزوین، جاده چالوس و مسیرهای شمالی، کرج را به گلوگاهی دائمی بدل کرده‌اند؛ گلوگاهی که هر اختلالش، به بحران ملی تبدیل می‌شود. نتیجه، شهری است که شهروندانش زمان، سلامت و کیفیت زندگی را در ترافیک از دست می‌دهند، بی‌آنکه صدایشان در معادلات کلان شنیده شود. آزادراه شمالی وعده می‌دهد بخشی از این فشار تاریخی را از دوش شهر بردارد و عبور را از زیست روزمره جدا کند؛ اما تجربه پروژه‌های مشابه نشان داده که زیرساخت، به‌تنهایی ناجی نیست. اگر این آزادراه صرفاً به مسیری سریع‌تر برای عبور خودروهای بیشتر تبدیل شود، مسئله تنها جابه‌جا می‌شود، نه حل. کاهش ۴۰ درصدی ترافیک، عددی جذاب است، اما تنها زمانی معنا پیدا می‌کند که با مدیریت شبکه درون‌شهری همراه شود. ترافیک زنجایی و بازطراحی یک شهر درون‌شهری همراه شود. در غیر این صورت، این مسیر تازه، خود به مقصد جدید ازدحام بدل خواهد شد.

افتتاح پل‌ها، رکوردشکنی‌های فنی و نام‌گذاری‌های نمادین، همگی بخشی از روایت رسمی پروژهند؛ روایتی که بر «بزرگ‌مقیاس بودن» تأکید می‌کند. اما آنچه کمتر گفته می‌شود، این است که توسعه زمانی مشروعیت پیدا می‌کند که در زندگی روزمره لمس شود. آیا شهروند حصارک، مهرشهر یا جهانشهر، واقعاً کاهش زمان سفر را احساس خواهد کرد؟ آیا حمل‌ونقل عمومی سهمی از این بازطراحی دارد یا همچنان در حاشیه می‌ماند؟ از سوی دیگر، تأخیر چندساله پروژه و افتتاح‌های مرحله‌ای، حافظه‌ای از بی‌اعتمادی ساخته است. هر بار که بخشی از مسیر باز می‌شود، شهروندان امیدوار می‌شوند، اما تجربه نشان داده امید، اگر به نتیجه پایدار نرسد، به فرسایش اعتماد تبدیل می‌شود. آزادراه شمالی در نقطه‌ای ایستاده که یا می‌تواند این چرخه را قطع کند یا به نمونه‌ای دیگر از پروژه‌های پرهزینه اما کم‌اثر بدل شود.

پایان این پروژه، آغاز یک آزمون است: آزمون اینکه آیا مدیریت شهری و استانی می‌توانند فراتر از بریدن روبان، مسئولیت نگهداشت، بهره‌برداری هوشمند و عدالت فضایی را ببپذیرند یا نه. آزادراه شمالی اگر فقط مسیر خودروها را کوتاه کند، دستاوردی محدود است. اما اگر زمان، اعصاب و کیفیت زندگی شهروندان را بازگرداند، آن‌وقت می‌توان گفت کرج، پس از سال‌ها، سهمش را از توسعه گرفته است... و اگر نه، این پل‌های بلند، تنها یادگاری خواهند بود از شهری که همیشه راه عبور دیگران بود، نه مقصد خودش.

